



هانری کربن برای ما ایرانیان مهم است اما حقش را ادا نکردیم

حبیبی، استاد فلسفه با بیان اینکه «کربن» برای ما ایرانیان مهم است اما حقش را ادا نکردیم گفت: او در فلسفه تجزیه و تحلیل معنا پیدا کرده و ترجمه آثارش نیز در ایران انجام شده است.

حبیبی، استاد فلسفه با بیان اینکه «کربن» برای ما ایرانیان مهم است اما حقش را ادا نکردیم گفت: او در فلسفه تجزیه و تحلیل معنا پیدا کرده و ترجمه آثارش نیز در ایران انجام شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست «بررسی زندگی و آثار هانری کربن» با حضور مصطفی ملکیان، حسن سیدعرب و نجفقلی حبیبی عصر روز گذشته، شنبه (۸ اردیبهشت/ماه) در سرای کتاب موسسه خانه&کتاب برگزار شد.

ملکیان در این نشست با اشاره به اینکه آثار کربن را بارها به زبان انگلیسی مطالعه کرده گفت: اکنون شیفتگی سابق را به کربن ندارم اگرچه مباحث بسیاری از او یاد گرفته&ام اما تلاش می&کنم تا اکنون نگاه نقادانه&ای به افکار کربن داشته&باشم. او باطن&گرای بسیار جدی است و تلاش کرده در تمام عمر خود به زبان ساده به&دنبال یافتن معنویت و عمق در هستی باشد، مسئله کربن این بوده و برای کاهش درد و رنج به سوی باطنی&گریابی روی آورده است. از سوی دیگر از آنجا که کربن در جستجوی معنا و عمق در هستی بوده، تنها آن را در باطنی&گریابی پیدا کرده است.

وی با اشاره به اینکه کربن تلاش کرده نوعی آگاهی مجدد در مخاطبانش به&ویژه شرقیان ایجاد کند افزود: او بیان می&کند که می&خواهد شرقیان، به&ویژه ایرانیان مسلمان را از نو شرقی کند و از این جهت برای خود رسالت روشنفکری تعریف می&کند تا درد و رنج بشر را از این راه کاهش دهد. به همین دلیل است که کربن دوست ندارد کتاب&هایش تنها برای اهل فن قابل مطالعه باشد. بلکه می&خواهد مخاطب عام نیز به آثار او توجه کند.

کربن به دنبال تشیع ایرانی است

ملکیان با بیان اینکه کربن به دنبال تشیع ایرانی است چراکه دو پیش&فرض دارد، افزود: به اعتقاد کربن دو قوم مستقر در شبه&قاره هند و ایران وجود دارند که تنها با تخیل خلاقانه قادر هستند به سوی باطنی&گریابی حرکت کنند البته او ایرانیان را باز در این جهت متمایزتر می&داند و از تعبیری به&نام جان ایرانی نام می&برد که اسلام را می&تواند تفسیر عرفانی و فلسفی کند. کربن پیش&فرضی دارد مبنی بر اینکه در ذهنیت انسان امروز باید الهیات، فلسفه و عرفان با یکدیگر باشند. فلسفه مستند به عقل، الهیات مستند به مرزها، متون و شخصیت&های دینی و عرفان مستند به کشف و شهود است. از دوره دکارت به بعد این سه حوزه در فرهنگ مسلط امروزی تفکیک شدند اما به اعتقاد کربن نباید این مرزها بین الهیات، عقل و عرفان وجود داشته باشند و هر فرد در استدلال&هایش باید این مرزها را در هم بیامیزد. چراکه این سه حوزه باید با یکدیگر تغذیه متقابل داشته باشند.

به گفته این پژوهشگر حوزه اخلاق، از همین جهت است که کربن برای آنکه به تشیع&گریابی برسد می&گوید نیازی به پدیده کتاب مقدس و شخص زنده&ای داریم که با نبی هم چهره&گری کند. به همین دلیل در مذاهب مختلف ادیان و اسلام به سراغ اسلام شیعی و از جمله شیخیه می&رود که چنین شاخصه&ای را درون تفکرش دارد. شارحان کربن از جمله آگار، آدامز، مهدوی و ... معتقدند تاکید کربن بر تشیع اسماعیلیه به دلیل زنده&بودن بعد روحانی و فیزیکی اما است.

ملکیان با بیان اینکه کربن برای پیگیری این اندیشه در آثارش به ۶ مفهوم می&پردازد عنوان کرد: او بحث&های فراوانی را درباره فلسفه اسلامی مطرح می&کند همچنین توجه ویژه به تشیع اسماعیلی دارد و از سوی دیگر به تصوف توجه بیشتری می&کند. به دنبال این سه&شاخصه به ویژه روی شیخ اشراق، اسلام ایرانی و قنوت و جوانمردی در جهان اسلام مطالعه می&کند.

وی ادامه داد: کربن در آثار خود از تعبیری فلسفه اسلامی استفاده می‌کند و اوج آن را در حکمت شیعی اصفهان عهد صفویه می‌داند و معتقد است فلسفه اسلامی با ابن‌زنجی‌رشد تمام نشده و فرآورده‌های بسیاری داشته که یکی از آن‌ها حکمت شیعی است برای این کار نیز میرداماد، میرفندرسکی، صدار شیرازی و قاضی سعید قمی را نماینده حکمت شیعی می‌داند اما معتقد است سرشاخه اصلی حکمت شیعی شیخ اشراق است. کربن معتقد است در فلسفه اسلامی عقلانیت، وحی و کشف با یکدیگر جمع شدند اما وقتی آن را گزارش می‌کند عنصری از عقلانیت در آن مشاهده نمی‌کند؛ شود بدین معنی که گویی هیچ استدلال فلسفی به سود فیلسوفان اسلامی در آثار او نیست.

ملکیان تاکید کرد: از همین منظر است که کربن نه در توجهِش به آثار سهروردی به‌عنوان قهرمان فلسفه معنوی و نه در آثار صدارا، قاضی‌سعید قمی، میرفندرسکی، میرداماد و حتی ابن‌زنجی‌سینا استدلال‌های فیلسوفان را نمی‌بیند.

این استاد فلسفه در ادامه نقد دیگر خود را نسبت به مباحث کربن درباره تشیع اسماعیلی بیان کرد و گفت: کربن جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و مسائل روزمره را در تاریخ شیعی و در آثارش بررسی نمی‌کند! گویی امامان کسانی نبودند که به دلایل سیاسی و اجتماعی با حاکمان وقت خود معارضه داشتند. همچنین او تشیع امامی و اسماعیلی را در برابر اسلام اهل تسنن قرار می‌دهد و معتقد است که اسلام تسنن تشیع‌گراست و اسلام تشیع ذاتا باطنی‌گراست. اما واقعیت این است که در جهان اسلام چه‌زنجی‌بسا متفکران شیعی که به شئون سیاسی و اجتماعی پرداختند و چه بسا عرفایی در اهل تسنن که شریعت‌گرا نبودند.

ملکیان افزود: همچنین گفته‌های کربن درباره نژاد عرب و ایران و آریایی و سامی حاوی انگاره‌های غلطی است و گویی به واقعیت‌های تاریخی توجه نمی‌کند. همچنین او تصوف را عامل نفوذ تشیع در اهل تسنن می‌داند در حالی که افرادی مانند عطار و مولانا صوفی هستند اما ما نمی‌توانیم شیعی بودن آن‌ها را زیر سنوال ببریم. همچنین او اندیشه ولایت را در تصوف و تشیع می‌داند در حالی که مشخص نیست این اندیشه را در طول تاریخ چه کسی از چه کسی گرفته است. کربن، روزبهان شیرازی را به دلیل نگاهش به عشق‌زنجی‌و شطح مهم می‌داند اما آیا مشخص شده است که او شیعی است؟! ابن عربی چگونه شیعی است او در مذمت شیعیان مطالب بسیاری گفته اما کربن تنها بنا به جمله‌زنجی‌ای که ابن‌عربی درباره امام علی گفته او را شیعی می‌داند.

آثار کربن سرشار از نکات عمیق است

این پژوهشگر حوزه اخلاق در ادامه با اشاره به ابداع عالم خیال توسط سهروردی گفت: به اعتقاد او نوشته‌های سهروردی بی‌نظیر است اما به دلیل آنکه جنبه‌های عقلانی اندیشه سهروردی در آثار کربن نشان داده نشده چهره کاریکاتوری از سهروردی ارائه شده است. همچنین اسلام ایرانی از نگاه کربن دو ویژگی دارد؛ نخست اینکه باطنی و حقیقی است و دیگر آنکه پیوند ناگسستنی با ایران قبل از اسلام دارد.

وی افزود: این در حالی است که ۹۰۰ سال تاریخ ما فارغ از مثبت و منفی بودن تشیع متعلق به تسنن است و اگر صفویه در ایران نبود ما شیعه نبودیم اما کربن به این موضوع هیچ توجهی ندارد و اسلام ایرانی را فقط در ۴۰۰ سال تشیع می‌داند از سوی دیگر در ۹۰۰ سال ابتدایی که اسلام تسنن حاکم بوده کمتر توجه به امور اجتماعی و اقتصادی داریم در حالی که در ۴۰۰ سال بعدی این رویکرد پررنگ‌تر می‌شود و این همان چیزی است که کربن از آن با عنوان اسلام شریعت‌گرا و ظاهری یاد می‌کند!

ملکیان در بخش پایانی سخنان‌ش یادآور شد: ستهندگی در تشیع نسبت به تسنن بیشتر وجود دارد و باید به این موضوع توجه داشت که همین پنج عنصری که کربن از آن‌ها یاد می‌کند با یکدیگر همزیستی ندارند. به‌طور مثال در همان گرایش شیخیه برخوردهای بسیاری بدی با شیعیان غیرشیخی می‌شود. فتوت و جوانمردی نیز از نظر کربن مهم است و تنها جنبه اجتماعی است.

وی یادآور شد: آثار کربن سرشار از نکات عمیق است و بنابه گفته یکی از شارحان آثار او با کل اندیشه کربن می‌توان مخالفت کرد اما با اجزای اندیشه‌اش نمی‌توان موافقت داشت.

نجفقلی حبیبی دیگر سخنران این مراسم با بیان اینکه کربن برای ما ایرانیان مهم است اما حقش را ادا نکردیم گفت: او

در فلسفه تجزیه و تحلیل معنا پیدا کرده و ترجمه آثارش نیز در ایران انجام شده است. یکی از مهم‌ترین کارهای او این است که سهروردی را برای ما ایرانیان شرح داده است. اگرچه که طبیعیات سهروردی در آمریکا تدریس می‌شود اما در فلسفه اسلامی در ایران مورد غفلت واقع شده است.

وی با اشاره به اینکه در نوشته‌های کربن دغدغه قوی برای فلسفه ایرانی - اسلامی وجود دارد افزود: ایران تنها کشوری است که یک فیلسوف مستقل داشته و کربن سهروردی را به گونه‌ای معرفی کرده که گویی در فلسفه غرب که آن را تشبیه به جنگل سیاه می‌کنند، فلسفه سهروردی شرقی قدسی است. کربن یک اثر عمیق در فلسفه جهان باقی گذاشته و تلاش کرده برای الهیات معنوی و فرشته‌شناسی اسلامی منابع موثقی را تهیه کند.

تفسیر کربن از وحی برای ما بسیار ارزشمند است

این استاد فلسفه با اشاره به اینکه تفسیر کربن از وحی برای ما بسیار ارزشمند است چراکه آن را حقیقت مستمر در تاریخ می‌داند عنوان کرد: تفسیر کربن از وحی یک برداشت عمیق است و شوق سختی را برای تصوف و عرفان اسلامی به وجود می‌آورد. کربن معتقد است سهروردی با ابن‌سینا در عرفان اسلامی در یک مسیر قدم برداشته و در حقیقت کربن ابن‌سینا را منشأ عرفان اسلامی نشان می‌دهد و معتقد است سهروردی در ادامه عرفان را باز کرده و به آن جنبه ایرانیت بخشیده است که البته این تمایز کار سهروردی با ابن‌سیناست چراکه ابن‌سینا به جنبه ایرانی بودن عرفان نپرداخته است.

حبیبی تاکید کرد: کربن فلسفه‌ای را که فراموش شده بود به جهان اسلام برگرداند و مباحثی را که سهروردی درباره عقول و نیز ملائک اسلامی مطرح می‌کند به تفسیر تشریح کرده است و توجهش را به قسمت‌های معنوی این فیلسوف می‌دول می‌کند. البته من گاهی دلم از کربن می‌گرفت که چرا به ائمه معصومین تنها جنبه آسمانی داده و بعد زمینی آن‌ها را که شامل اداره حکومت است بیان نکرده است. اما اکنون متوجه می‌شوم که این اقدام او به دلیل ارزش‌دادن به ائمه و زنده کردن جاودانگی آن‌ها بوده است.

وی با بیان اینکه کربن برای برقراری رابطه بین سهروردی و ابن‌سینا از طریق رساله‌های رمزی تلاش می‌کند، به بخش‌هایی از آثار مختلف سهروردی اشاره کرد و گفت: باید از زحمات کربن قدردانی کنیم چرا که او اندیشه شرقی را برای ما زنده کرده است. اوژن یونسکو برای کربن نامه‌ای نوشته و از او به دلیل ترجمه رسایل سهروردی به زبان فرانسه تشکر کرده و بیان می‌کند که اگرچه مطالعه این کتاب سخت است ولی او هر شب این کتاب را زیر سرش می‌گذارد تا در نیمه‌های شب که حالات خاصی به او دست داد آن را مطالعه کند.

مطرح کردن نام کربن در ایران ناظر به فلسفه سهروردی است

سیدعرب نیز در بخش دیگری از این نشست با اشاره به اینکه مطرح کردن نام کربن در ایران ناظر به فلسفه سهروردی است عنوان کرد: کربن سهروردی را در ایران احیا کرد و جالب توجه است که برگزاری این جلسه با چهلمین روز وفات شایگان مصادف شده که نخستین راوی فارسی‌زبان کربن با کتاب «هانی کربن و آفاق تفکر معنوی در ایران اسلامی» بوده که به زبان فارسی ترجمه شده است.

وی با بیان اینکه کربن از معدود متفکرانی است که در غرب استادان بسیاری را درک کرده افزود: اینگونه متفکران در شرق و غرب نادر است او متعلق به مکتب ارانوس است که در سوئیس تشکیل شده و همزمان با برگزاری جلسات مکتب فرانکفورت رایج بوده است البته نسبت این دو حلقه فکری بررسی نشده اما می‌توان گفت افراد متعلق به حلقه ارانوس به غیر از هایدگر به نوعی فلسفه قاره‌ای‌ای تعلق داشته‌اند. اساتید کربن از جمله هایدگر، کاسیرر، یاسپرس، ژیلسون و ... که کربن نزد آن‌ها درس می‌خوانده از اعضای این حلقه بودند و البته کربن با ترجمه کتاب وجود و زمان هایدگر منبع آشنایی فیلسوفان فرانسه با هایدگر بوده است.

سیدعرب بخش دیگری از سخنانش را به نوع تلقی کربن از فلسفه اسلامی اختصاص داد و اضافه کرد: به اعتقاد کربن فلسفه اسلامی همان فلسفه ایرانی است که در مهد تفکر ایرانی نزع گرفته و اگرچه به زبان فارسی نیست ولی از طریق اوست که ما با فلسفه سهروردی و فلسفه اسلامی آشنا می‌شویم. در تاریخ فلسفه اسلامی کربن

سهروردی را به ZWNJ& عنوان نماد انتخاب کرده چراکه معتقد است سهروردی با متفکران قبل و بعدش نسبتی داشته و به عبارت دیگر کربن معتقد به سنتی است که سهروردی متعلق به آن است.

وی ادامه داد: کربن با مطالعه منابع ایرانشناسی افکار سهروردی را بررسی می ZWNJ& کند و برعلاقه او به ایران و تشیع از طریق همین فلسفه سهروردی افزوده می ZWNJ& شود. چراکه به اعتقاد کربن سهروردی فلسفه اسلامی را در ایران و غرب احیا کرد و قابل تأمل است که تا قبل از تصحیح آثار سهروردی توسط کربن کمتر در ایران آشنایی با این فیلسوف داشته است.

این پژوهشگر حوزه فلسفه با اشاره به مجموعه ۴ جلدی کربن درباره فلسفه سهروردی گفت ZWNJ&: یکی از دلایل موفقیت سهروردی در فلسفه اسلامی توجه به معنویت زرتشتی بوده است چراکه سهروردی معتقد است یکی از منابع درک اسلام ایرانی معنویت زرتشتی است. کربن اگرچه از غرب آمده بود اما هیچگاه برخلاف آنچه که می ZWNJ& گویند شیعه شده گسست معرفتی از غرب پیدا نکرد اما عالم مثال در اندیشه سهروردی برای او بسیار مهم بود چراکه معتقد است سهروردی کاشف آن است و غرب معاصر نیز نیاز به عالم مثال دارد. برهمین اساس کربن بیان می ZWNJ& کند که رمان، فلسفه و داستان با اتصال نفس انسانی به عالم مثال ایجاد می ZWNJ& شوند و در ادامه از داستان ZWNJ& های تمثیلی ابن ZWNJ& سینا و سهروردی نام می ZWNJ& برد که با آن ZWNJ& ها امکان اتصال به این عالم به وجود آمده است. کربن بیان می ZWNJ& کند که رمان و داستان در غرب کنونی هم تلاشی برای اتصال به عالم دیگر است.

نتایج کار کربن آنچنان که باید بررسی نشده است

به گفته سیدعرب، تلاش ZWNJ& ها و آثار کربن اگرچه در ایران به فارسی ترجمه شده و حتی تعدد ترجمه داریم اما نتایج کار او آنچنان که باید و شاید در کشور ما بررسی نشده است.

وی با بیان اینکه فلسفه تطبیقی یکی از شاخصه ZWNJ& های فکری کربن است و می ZWNJ& توان او را مؤسس این حوزه دانست توضیح داد: البته فلسفه تطبیقی در اینجا به ZWNJ& معنای تطبیق مبانی فکری یک قوم با قوم دیگر، نحله فکری با نحله فکری دیگر و متفکر با متفکر دیگر است. البته به روش کربن انتقادهای داشتم و درباره آن پرسش ZWNJ& های را مطرح کردم که بعدها به پاسخ آن رسیدم.

سیدعرب در همین باره به مواجهه کربن با سهروردی اشاره کرد که فاقد صورت فلسفی است و افزود: سهروردی در آثار او فیلسوف منطقی نیست بلکه فیلسوفی کاملاً متاله است که فلسفه را با الهیات شروع کرده و به پایان برده است از این منظر گویی کربن سهروردی را از فلسفه به عرفان تقلیل داده است. به همین دلیل است که در کتابش کربن بخش الهیات را تعدماً چاپ نکرده است. البته او از این کار منظور و روش ZWNJ& شناسی خاصی داشته و می ZWNJ& خواسته بعد تاله سهروردی را غالب کند.

این پژوهشگر حوزه فلسفه، درباره نسبت فلسفه سهروردی با منطق و الهیات عنوان کرد: به اعتقاد کربن سهروردی نخستین فیلسوف مبدع است چراکه در مواجهه با ارسطو و در بحث تعریف فقط او ابداعاتی را داشته با این وجود کربن تنها بخش الهیات سهروردی را در آثارش چاپ کرده است. به دلیل این کار کربن مخاطب سهروردی نمی ZWNJ& تواند بین فلسفه و منطق او ارتباط ایجاد کند چون تلاش شده بعد عرفانی اندیشه او پررنگ ZWNJ& شود.

وی در پایان و در پاسخ به این موضوع توضیح داد: کربن فیلسوفی موعودگراست و تلاش کرده تا با این نگاه به آثار سهروردی نشان دهد که همان طور که در کتاب حکمت اشراق اگر امام نباشد ظلمات غالب می ZWNJ& شود در اندیشه کربن نیز چنین حکیمی باید ترسیم شود. کربن از دوره ZWNJ& ای گرایش شدیدی به شیخیه پیدا می ZWNJ& کند چراکه تنها در این فرقه بعد روحانی و فیزیکی امام ظاهر است.

سارا فرجی